

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۶

وصول مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۷

تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۲۱

صفحات: ۱۴۸ - ۱۲۷

ارزیابی راهبرد توانمندسازی حاشیه‌نشینان در بهسازی شهر زابل

دکتر خدارحم بزی^۱، دکتر اکبر کیانی^۲، عبدالغنی صفرزائی^۳

چکیده

حاشیه‌نشینی یکی از مسائل و مشکلات مدیریت شهری کشور به‌شمار می‌رود. در جدیدترین تجربه نظام برنامه‌ریزی شهری، کشور با برنامه بهسازی و توانمندسازی، در پی کاهش و کنترل ابعاد این مشکل برآمده است، اما هنوز در این زمینه کاستی‌هایی مانع دستیابی به اهداف توسعه یکپارچه شهری است. شهر زابل در سال‌های اخیر و به‌خصوص از ۱۳۵۵ به بعد، رشد و گسترش فیزیکی زیادی داشته است که باعث به‌وجود آمدن محله‌های زیادی در حاشیه آن شده است. وضعیت حاشیه‌نشینان شهر زابل که از نظر تأسیسات و خدمات زیربنایی شهری مانند آسفالت معابر و کوچه‌ها، فاضلاب شهری، فضاهای عمومی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند؛ این سؤال را به‌وجود می‌آورد که مهم‌ترین مشکل حاشیه‌نشینان در بهسازی محله‌هایشان چیست؟ مقاله حاضر به بررسی و ارزیابی توانمندسازی آنها براساس ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی سرپرستان خانوارها، وضعیت کالبدی و فضایی محله‌ها، مسکن و وضعیت مشارکت حاشیه‌نشینان زابل پرداخته است. اطلاعات حاصل از ۳۱۶ پرسشنامه توزیع شده در ۱۴ محله حاشیه‌ای زابل، به‌وسیله نرم‌افزارهای SPSS و Excel تجزیه و تحلیل شده و امتیاز شاخص‌های اصلی و فرعی توانمندسازی هر یک از محله‌های حاشیه‌ای به‌دست آمده است. مجموع نمرات استاندارد هر یک از محله‌ها تعیین و بر مبنای روش Z -score، محله‌های حاشیه‌ای زابل رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر محله‌ها، ۱۰ محله از ۱۴ محله حاشیه‌نشین در سطح خیلی ضعیف تا متوسط از نظر توانمندسازی قرار دارند که مهم‌ترین عامل آن مشکلات اقتصادی مانند بیکاری ۲۶/۹ درصد از سرپرستان خانوار و درآمد حاشیه‌نشینان است که نتیجه آن، توانایی تنها ۲/۸۵ درصد از حاشیه‌نشینان در پرداخت نقدی هزینه بهسازی محله‌هاست. ایجاد اشتغال پایدار و درآمد ثابت می‌تواند باعث توانمندسازی حاشیه‌نشینان زابل شود.

کلید واژگان: توانمندسازی، بهسازی، حاشیه‌نشینی، شهر زابل.

۱- دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه گلستان

۲- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه زابل

۳- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زابل (نویسنده مسؤول)

Kh.Bazi@yahoo.com

Kianiakbar@gmail.com

Safarzaei88@gmail.com

مقدمه

تحقیقات جهانی نشان می‌دهد که امروزه، بیش از یک‌سوم جمعیت شهرها را اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی تشکیل می‌دهد. برآوردها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۵۰ این جمعیت به دو برابر به‌خصوص در مناطق شهری جدید از جمله آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین می‌رسد (Vilar and Cartes, 2015:59). بیشتر شهرهای ایران با پدیده حاشیه‌نشینی درگیر هستند. تاریخ پیدایش حاشیه‌های شهری کشورمان را باید منطبق با دوران شکل‌گیری شهرنشینی شتابان و سریع دانست که به‌علت برون‌زا بودن آن، باعث پیدایش مسائل مختلفی نظیر حاشیه‌نشینی در چهره خود شده است. این دوره که موسوم به «شهرنشینی مشکل‌زا» می‌باشد، از دهه ۱۳۴۰ آغاز شده است (نظریان، ۱۳۷۹:۷۸). براساس آمارهای موجود، ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت کلان‌شهرها، ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت شهرهای بزرگ و حدود ۱۰ درصد از جمعیت شهرهای متوسط در بافت‌های حاشیه‌ای شهرهای کشور سکونت دارند. تعداد جمعیت ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی کشور، رقمی برابر با ۷/۵ میلیون نفر یعنی یک‌هفتم جمعیت شهری کشور و به‌لحاظ پهنه استقرار حدود ۱۱ تا ۱۵ درصد از مساحت شهرهای کشور و ۹۰ هزار هکتار برآورد می‌شود. در حال حاضر، متوسط تراکم نفر در هکتار در شهرهای کشور ۵۰ نفر و در این سکونتگاه‌ها بین ۲۵۰ تا ۲۸۰ نفر برآورد شده است (ایمانی‌جاجرمی، ۱۳۸۸:۳). مهمترین دلایل اصلی افراد در انتخاب مناطق حاشیه‌ای، پایین بودن ارزش ملک، پایین بودن قیمت زمین و اجاره‌بهای مسکن و مسئله بیکاری است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۰:۱۲).

گسترش حاشیه‌نشینی شهرها با این روند و اثرات منفی مانند ساختار نامناسب فیزیکی و کالبدی شهری، معضلات اجتماعی و امنیتی و همچنین چالش‌های مدیریت شهرها برای توسعه یکپارچه به همراه دارد که نیاز به برنامه‌ریزی و برخورد مناسب با این پدیده در شهرها ضروری است. درخصوص حاشیه‌نشینان شهری و نحوه مواجهه با آن، دیدگاه‌ها و نظریات عدیده‌ای

مطرح شده است که در شهرهای ایران، راه‌حلی‌هایی همچون حذف و تخریب و یا دادن خدمات صرف ازسوی سازمان‌های ذی‌ربط، بدون پذیرفتن حق شهروندی و به‌کارگیری نیروی مشارکتی این اجتماعات، هیچ‌کدام راهگشا نبوده‌اند؛ بنابراین، باید در جستجوی راه‌حلی ریشه‌ای و درون‌زا در نحوه مواجهه با این نوع سکونتگاه‌ها بود تا بتوان به یکپارچگی این محله‌ها با محله‌های رسمی شهر دست یافت، ساماندهی و توانمندسازی آن‌ها با توجه به تجربیات جهانی مؤثرترین و بهترین راه‌حل می‌باشد. در دیدگاه ساماندهی، دولت‌ها با بهسازی مناطق از راه قانونی کردن تملک زمین و بهبود شرایط زندگی مردم و استفاده از مشارکت ساکنان، سعی دارند در درجه اول این سکونتگاه‌ها را به رسمیت بشناسند و در درجه دوم از توان و استعداد ساکنان برای ایجاد محیط زندگی بهتر بهره‌برداری کنند (هادی‌زاده‌بزاز، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

توانمندسازی بر دیدگاه فقرزدایی استوار است و در توسعه پایدار انسانی محور، با تکیه بر مشارکت شهروندان پیش می‌رود. آنچه در این راهبرد محوریت دارد، تأکید ویژه بر افزایش درآمد و فقرزدایی خانوار است که بدین منظور آموزش‌های حرفه‌ای و بالابردن مهارت نیروی کار و کمک به آنان در دسترسی به منابع و سازماندهی و بازاریابی بهتر و رونق کسب‌وکارشان به‌ویژه با میانجی‌گری سازمان‌های غیردولتی و محلی بسیار بااهمیت است (کمانو، ۱۳۸۱: ۱۱۴). اگر از طریق ساماندهی بتوان به هدف توانمندسازی اجتماعات کم‌درآمد در سکونتگاه‌های غیررسمی دست یافت، بهبود و پیشرفت تدریجی محیط زندگی آن‌ها ممکن است؛ در این صورت جداسازی آن‌ها کم‌رنگ می‌شود و پیوند با تمام شهر ممکن می‌شود (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۰). در مجموع، بهترین وسیله برای راه‌اندازی فرایند توسعه در دل اجتماعات غیررسمی، ساماندهی و بهسازی کالبدی است که در جریان آن راهبرد توانمندسازی، قابل اجرا و پیاده‌کردن است (زیاری و نوزری، ۱۳۸۸: ۲۶).

ساکنان این محله‌ها، روند گسترش روزافزون شهر زابل به‌صورت افقی، متصل شدن روستاهای اطراف شهر و بورس‌بازی زمین درحاشیه‌های شهر و روستاهای اطراف آن، به‌صورت غیرقانونی اثرات منفی و جبران‌ناپذیری را درحال حاضر و آینده برای شهر زابل از نظر کالبدی و فیزیکی و اجتماعی برای مدیریت شهری به‌وجود خواهد آورد.

این مقاله در درجه نخست، به بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی حاشیه‌نشینان شهر زابل پرداخته و سپس راهبرد توانمندسازی حاشیه‌نشینان در بهسازی شهری را ارزیابی و بررسی می‌کند.

سؤالات تحقیق

- ۱- حاشیه‌نشینان زابل، از نظر توانمندسازی برای بهسازی محله خود در چه سطحی قرار دارند؟
- ۲- مهم‌ترین مشکلات در توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهر زابل چیست؟

فرضیه تحقیق

فرضیه اول: از نظر توانمندسازی، بیشتر حاشیه‌نشینان زابل در سطح خیلی ضعیف و ضعیف قرار دارند.

فرضیه دوم: عوامل اقتصادی به‌خصوص اشتغال از مهم‌ترین مشکلات توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهر زابل است.

مبانی نظری

مناطق حاشیه‌نشین یک پدیده جهانی می‌باشند. دلایل شکل‌گیری این پدیده، متنوع و متعدد بوده که ممکن است از مکانی به مکان دیگر متفاوت باشد (Akhtar and toran, 2000:2). سکونت‌گاه‌های حاشیه‌نشین، نواحی مسکونی هستند که در زمین‌هایی بدون مالکیت قانونی ساخته می‌شوند یا به‌طور غیرقانونی مورد سکونت قرار می‌گیرند (Bego, 2003:11)؛ به‌عنوان مثال، محله‌های حاشیه‌نشین آفریقا در محیط‌های فیزیکی حاشیه‌ای و پرمخاطره شهری مانند مسیر جاری شدن

شهر زابل با توجه به مرکزیت منطقه سیستان و هم‌مرز بودن با افغانستان، بلایای طبیعی مانند خشکسالی‌های دوره‌ای و طولانی، از بین رفتن کشاورزی، دامداری و وجود بیکاری در مناطق روستایی و عشایری با مهاجرت بی‌رویه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مواجه بوده است. همچنین، الحاق روستاهای اطراف به شهر باعث رشد محله‌های حاشیه‌ای شده است؛ به‌طوری‌که تعداد محله‌های حاشیه آن در سال ۱۳۵۰ که ۲ تا ۳ محله کوچک بوده، به بیش از ۱۴ محله حاشیه‌ای در سال ۱۳۶۵ رسیده و درحال حاضر نیز با رشد نامعقول این تعداد محله‌ها در حال افزایش می‌باشند (بزی، ۱۳۸۶: ۲۴).

حاشیه‌نشینان شهر زابل به‌دلیل نداشتن مهارت و تخصص لازم و سرمایه کافی در بخش رسمی اقتصاد شهری جذب نشده‌اند. در سال‌های اخیر، باز بودن مرز ایران با افغانستان امکان فعالیت حاشیه‌نشینان در مشاغل غیررسمی و انگلی به‌خصوص قاچاق سوخت و فرآورده‌های نفتی و ورود غیرمجاز کالا از مرز را فراهم آورده بود. بسته شدن مرز باعث شد که بیشتر افرادی که در این زمینه اشتغال داشتند، شغل خود را از دست بدهند و افراد بیکار و فقیر در این محله‌ها زیادتر شود. فقر و بیکاری ساکنان محله‌های حاشیه‌ای باعث شده که محله‌های آن‌ها از نظر کالبدی و فیزیکی شرایط نامطلوبی مانند مسکن نامناسب، کوچه‌های باریک و خاکی، ورود فاضلاب‌های سطحی به کوچه‌ها، ریختن زباله و شرایط نامناسب زیست‌محیطی داشته باشند. در بعضی از این محله‌ها، معضلات اجتماعی مانند اعتیاد، خریدوفروش مواد مخدر، سرقت و تکدی‌گری در سطح زابل خیلی افزایش یافته است که مهم‌ترین معضلات اجتماعی را برای شهر زابل به‌وجود آورده‌اند. بیکاری، درآمد کم، نرخ بالای جمعیت و بُعد خانوار، نداشتن مهارت و تخصص لازم شغل‌های شهری و فرهنگ روستایی ساکنان و نبود توجه کافی مدیریت شهری به این محله‌ها، از مهم‌ترین مشکلات ساماندهی و توانمندسازی محله‌های حاشیه‌ای زابل می‌باشند. نداشتن برنامه‌ها و پروژه‌های حمایتی از طرف سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای توانمندسازی

ضوابط و مقررات و از این دست موارد دانسته و در نظر گرفته می‌شود (شیخی، ۱۳۸۱: ۵۱-۳۶). دسترسی ناچیز به نظام‌های رسمی اعتباری وام و مسکن برای کم‌درآمدها، نبود پیش‌بینی برای فضای مسکونی کافی و مناسب برای اقشار کم‌درآمد، وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین‌باز (صرافی، ۱۳۸۱: ۷-۶)، نادیده گرفتن زمین و مسکن و تأمین مالی مسکن گروه‌های کم‌درآمد و شاغل در بخش غیررسمی در سیاست‌های کلان کشور (امچکی، ۱۳۸۱: ۶۴-۵۶) و بسیاری موارد از این قبیل، از جمله علل شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کشور ما در سطح خرد می‌باشند.

نظریه‌های زیادی از طرف اندیشمندان، پژوهشگران، جامعه‌شناسان، سیاست‌مداران، مدیران و برنامه‌ریزان در مورد علل و عوامل شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی شهری، اسکان غیررسمی و پیامدهای آن در شهرها و راه‌های مقابله با آن ارائه شده است. با توجه به ماهیت و زمینه‌های مشترکی که در نوع نگرش برخی از نظریه‌ها دیده می‌شود، آن‌ها را می‌توان به سه دسته نظریات ۱- «مسئله‌گرا»: شامل اکولوژیست‌های انسانی، جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، سازمان و قدرت‌گرایان (وبری‌ها)؛ ۲- «بنیادگرایان»: شامل مجموعه نظریه‌های اقتصاد سیاسی فضا، ساختارگرایان، نظریه شهرنشینی و وابستگی، جهانی‌شدن؛ ۳- «هدف‌گرا» (راه‌حل‌گرایان): شامل نظریه‌های بعد از جان‌اف ترنر و دیدگاه‌های توانمندسازی تقسیم‌بندی کرد (شیخی، ۱۳۸۱: ۳۷).

«مکتب اکولوژیک»، در پی آن است تا بگوید، فرم‌های اجتماعی با فضا و مکان رابطه‌ای تنگاتنگ داشته و توزیع مکانی جمعیت در ارتباط دائمی، رقابت اجتماع و چارچوب مکانی شکل می‌گیرد (زیباری و نودری، ۱۳۸۸: ۴۰۸). پژوهشگرانی که از این دیدگاه به مسئله حاشیه‌نشینی نگریسته‌اند، تلاش کرده‌اند تا با توجه به بافت فیزیکی شهر، به توجیه مکانیزم (سازوکار) پیدایی حاشیه‌نشینی بپردازند. مارشال کلینارد در چارچوب دیدگاه اکولوژی، علل

سیل‌ها، زمین‌هایی که آب زیرزمینی در آن بالاست (شهر کیپ‌تاون) یا زمین‌های رهاشده و گودال‌های حاصل از استخراج معادن (ژوهانسبورگ)، گسل‌های زمین‌شناسی و یا نزدیک محل‌های دفن قدیمی زباله شکل گرفته‌اند (Abbott, 2002a: 321). علاوه بر مخاطرات طبیعی، خطر اخراج حاشیه‌نشینان و ناامنی تصرف زمین و مسکن (Lee-smith, 1989: 178)، باعث افزایش مشکلات اجتماعی مانند درگیری و خشونت با مدیران شهری در این محله‌ها می‌شود (Harpham and Reichenheim, 1991: 6).

در ایران محله‌های حاشیه‌نشین، فضاهای زندگی غیررسمی و فضاهای نامتعارف شهری، همگی بازتاب فضای اقتصادی بیمارگونه و مدیریت ناتوان برنامه‌ریزی فضایی و در واقع معلول بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی است. نابرابری‌ها در سه سطح قابل بررسی است (پورآقایی، ۱۳۸۵: ۴۶)؛ «سطح کلان»، به علل ساختاری جامعه بازمی‌گردد. بر پایه این دیدگاه گسترش شهرنشینی از دهه ۱۳۴۰ با افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولت در شهرها و آغاز بورس‌بازی زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ، یکی از عمده‌ترین علل مهاجرت نیروی کار روستایی به شهر را رقم زد و مشکلات شهری از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی در حومه کلان‌شهرها را پدید آورد (ایمانی‌جاگرمی، ۱۳۸۱: ۴۴۹). در تحلیل سطح میانه، مهاجرت فزاینده و نبود تمهیدات لازم در تأمین نیازها از جمله مسکن در شهرها، عامل اصلی اسکان غیررسمی و نابهنجاری مسکن دانسته می‌شود. در واقع، مهاجرت گسترده به شهرها و رشد فزاینده و سریع جمعیت شهری، موجب پیشی گرفتن رشد شهر از مدیریت شهری می‌شود و عامل اصلی شکل‌گیری اسکان غیررسمی است (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۱۶۴). در «سطح خرد»، شکل‌گیری و توسعه سکونت‌گاه‌های غیررسمی، تابعی از فرایند درونی اجتماع مانند مذهب، نژاد، مکان شغل، سطح درآمد و آموزش و فرایند بیرونی مانند مالکیت و تصرف و سیاست‌های دولتی و

پرداخته و کمتر به راه‌حل‌ها و شیوه‌های ساماندهی و بهسازی این مجموعه‌ها توجه کرده است (پیران، ۱۳۷۳: ۱۲۵). این دیدگاه‌تها راه‌حل مسئله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید، توزیع و مصرف و در مجموع، ساخت اقتصادی و نیز تغییر بنیادین جوامع می‌بیند (شیخی، ۱۳۸۱: ۳۸).

دیدگاه «لیبرال» با حقیقت (چرایی پیدایش سکونتگاه غیرمتعارف) درگیر نمی‌شود و واقعیت وجود (پیدایش و گسترش سکونتگاه‌های غیرمتعارف) را قهری و از تبعات نظام جهانی موجود می‌انگارد (پیران، ۱۳۷۳: ۱۳۰). در این دیدگاه، حاشیه‌نشینی به منزله معلول عوامل داخلی در کشورهای جهان سوم تلقی شده و در جهت گذار از جامعه سنتی به یک جامعه صنعتی خود به‌عنوان ضرورتی در فرایند این تحول قلمداد می‌شود (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۹). این دیدگاه می‌کوشد تا با ارائه راه و روش‌هایی که تنها با معلول درگیر می‌شوند، ناهنجاری مسکن خودساز زیراستاندارد را چه از لحاظ فضایی - کالبدی و چه از لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی و بهداشتی به حداقل برساند و راهی بجوید تا چنین مناطقی به هر شکل در کل شهر و نهایتاً در نظام شهری ادغام شود. در کل این دیدگاه، صراحتاً چرایی و علل ایجاد پیدایش این مناطق را یک عمل قهری و از تبعات نظام جهانی موجود می‌داند و بر این باور است که باید پدیده اسکان غیررسمی را پذیرفت و با دید بهسازی و ساماندهی بدان نگرست که از این رهگذر درصدی (نه‌چندان چشمگیر) از ساکنان اجتماعات آلونکی، محیط زندگی قابل قبول‌تری به دست آورده‌اند (پیران، ۱۳۷۳: ۹۷).

از دیدگاه اندیشمندان مکتب جامعه‌گرایان جدید، حاشیه‌نشینی و پیدایش گروه‌های حاشیه‌نشین و فقیر در جامعه شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه است و پیامدهای قهری قوانین حاکم بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری یعنی تمرکز و انباشت سرمایه رشد نامورون اقتصاد و بروز تضادهای اجتماعی (تضاد اراضی بین دهقانان زمین‌دار و بی‌زمین، تضاد بین زندگی

حاشیه‌نشینی را به دو دسته «تغییر در نحوه استفاده از زمین و کمبود مسکن» و «تعمیر نکردن و نگهداری صحیح آن» تقسیم می‌کند (زاهدزاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۳). از دیدگاه وابستگی، تقویت وابستگی کشورهای جهان سوم در رشد زاغه‌نشینی در حاشیه شهرها، تضاد فرهنگی و از خودبیگانگی مهاجران، ایجاد و تقویت نیروی انقلابی در شهرها و ناهنجاری‌های اجتماعی است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۲: ۱۶۰ - ۱۵۹).

در نظریه «اقتصاد سیاسی فضا»، الگوی حاشیه‌نشینی در شهرها با تأکید بر اقتصاد سیاسی یا نیروهای فرامنطقه‌ای تشریح می‌شود (ساعی، ۱۳۷۸: ۹۷). در این نظریه، سیستم‌های شهری و مراکز شهری عمده در جهان سوم، بازتاب نقشی است که دولت‌های ملی در سیستم اقتصادی بین‌المللی بازی می‌کنند (پیران، ۱۳۸۰: ۱۰). قطب‌های قدرت سیاسی، قطب‌های سرمایه و قدرت اقتصادی نیز در بزرگ‌ترین شهر ناحیه و کشور می‌باشد؛ از این رو، انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران از نقاط محروم به شهر می‌شود (یزدانی‌بروجنی، ۱۳۸۲: ۳۵۱) و در شهرها نیز از طریق پایین نگه‌داشتن دستمزدها و افزایش تصاعدی قیمت‌ها، حلقه محرومیت را بر این قشر فاقد حامی تنگ‌تر کرده و بر شدت فقرشان می‌افزاید و آن‌ها را به زندگی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی وادار می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰: ۴۹). نتیجه اینکه اسکان غیررسمی، محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری دولتی است که به دلیل حمایت نکردن نهادهای رسمی و قانونی از اقشار بهره‌ده، باعث شده که آن‌ها از قافله توسعه عقب‌مانده یا رانده شوند (شریعت‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۴۵). براساس این دیدگاه، پدیده حاشیه‌نشینی یکی از بارزترین پدیده‌های مهاجرت به‌خصوص از روستا به شهر در کشورهای پیرامونی به‌شمار می‌رود. در واقع فرایند حاشیه‌نشینی شهری، فرایند انتقال فقر از روستا به شهر است (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۷). در مجموع، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا در بررسی چگونگی فرایند شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودرو به بررسی ریشه‌ها

به‌وضوح مورد بحث قرار گرفت. با وجود این، این رویکرد تا سال ۱۹۹۶، یعنی زمان برگزاری «کنفرانس Habitat2» در استانبول، کمتر مورد توجه بود تا اینکه در این کنفرانس، دیدگاه ترنر، به‌منزله جزئی جدایی‌ناپذیر از واژگان اسناد رسمی مورد توجه جدی قرار گرفت (Emer, 2008: 4). این رویکرد، از رویکردهای نوین برای حل مسئله اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی تلقی می‌شود. مرکز توجه در روش توانمندسازی، ساکنان شهر و مردم هستند و دولت متعهد می‌شود که تسهیلات لازم را برای آن‌ها فراهم کند. بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی است برای حل مسئله فقر شهر که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را راهگشا نمی‌داند؛ بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان موردنظر است (هادی‌زاده‌بزاز، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۷). به‌عبارت‌دیگر، راهبرد توانمندسازی و بهسازی مشارکتی در پی ظرفیت‌سازی در اجتماعات برای حل مشکلات آن‌ها، با اندیشه، منابع و بازوی خود آن‌هاست. بدین ترتیب، راهکارهای برآمده از این راهبرد، در پی تشکیل سرمایه‌های انسانی و اجتماعی این‌گونه سکونتگاه‌ها با اقدامات جمعی و بهبود فضای زیستی آن‌هاست (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۱). این رویکرد معتقد است که باید افراد را به‌گونه‌ای توانمند ساخت که بتوانند در محیط سکونت خویش تصمیم بگیرند (Mukhija, 2001:21).

راهبرد توانمندسازی و بهسازی از طریق مشارکت مردمی، غالب و بهتر است. مشارکت مردم، مهندسی اجتماعی در کنار مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی و ایجاد مشاغل و مهارت برای حاشیه‌نشینان، درگیری سازمان‌های دولتی، غیردولتی و ساکنان محل و تشکیل سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار این محله‌ها مؤثرتر است.

شهری و روستایی و تضاد طبقاتی و غیره) است و بنابراین در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه‌داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ اجتناب‌ناپذیر است (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۸).

دیدگاه‌های مختلف در مورد حاشیه‌نشینی در جهان، رویکردهای متفاوتی را در رابطه با این پدیده مورد آزمون قرار داده‌اند. رویکرد اولیه در این زمینه، نادیده‌انگاری با تکیه بر دیدگاه لیبرال، رهاکردن سکونت‌گاه‌های غیررسمی در دست نامرئی بازار را توصیه می‌کرد (پیران، ۱۳۶۶: ۳۳). رویکرد تخلیه اجباری و حذف، عمدتاً بین ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ رواج داشت و سکونتگاه‌های غیررسمی را غده‌ای چرکین بر بدن شهر می‌دانست که باید برچیده شود (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۸۷) و از این‌رو، انتقال مردم از خانه و زمین خود برخلاف میل باطنی‌شان را مورد تأکید قرار می‌داد (Arimah, 2010:2). رویکرد مسکن اجتماعی، معتقد به حل مسئله از طریق تخریب مسکن غیررسمی و جایگزینی آن با مسکن اجتماعی و شدیداً طرفدار مداخله دولت در تحویل واحدهای مسکونی دائمی است (Abbott, 2002b:306). از دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ نیز رویکرد زمین و خدمات مورد توجه قرار گرفت که بر واگذاری زمین سرویس داده‌شده به‌جای ساختن مسکن برای افراد کم‌درآمد تأکید داشت (هادی‌زاده‌بزاز، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۹). این رویکرد به وجود مسئولیتی مشترک بین مسئولان و مردم، معتقد بود که در آن دولت‌های محلی باید بیشتر نقش تسهیل‌گر نسبت به نقش فراهم‌کننده داشته باشند (Pugh, 2001: 399). تلاش برای رفع نقاط ضعف و انتقادات موجود در رویکردهای قبلی (مثل تک‌بعدی نگرستن، بی‌توجهی به توان مالی خانوارها، بی‌توجهی به مشارکت ساکنان) باعث تولد رویکرد نوینی باعنوان «توانمندسازی» شد. جان ترنر را می‌توان پیشگام رویکرد توانمندسازی دانست (داداش‌پور، حسین‌آبادی، پورطاهری، ۱۳۹۱: ۱۰۰). رویکرد توانمندسازی در اولین کنفرانس اسکان بشر ۵ در سال ۱۹۷۶ در ونکوور

پیشینه تحقیق

همه شهرهای جهان به‌خصوص شهرهای در حال توسعه، به‌نوعی با مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی مواجه هستند؛ از این‌رو، در بیشتر برنامه‌ها و کنفرانس‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، یکی از مسائل و

محورهای مهم شهری، حاشیه‌نشینی و راهکارهای مناسب با این پدیده در شهرها می‌باشد. مهمترین تحقیقات خارجی در مورد حاشیه‌نشینی در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. تحقیقات خارجی در زمینه اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی

نام محقق و سال تحقیق	عنوان تحقیق	نتایج تحقیق
- نیجمن (۲۰۰۸)	- ارتقاء محله‌ها فقیر و زاغه‌نشین بمبئی با توجه به سیاست‌های نئولیبرالی جدید کشور هند	- زاغه‌های قدیمی توسط سازمان‌ها غیردولتی خراب و به‌جای آن‌ها ساختمان‌های آپارتمانی ۶ طبقه ساخته و اعضای زاغه‌ها به‌زای زمین واگذار شده به این سازمان‌ها، صاحب خانه‌های با دوام و مستحکم شدند.
- مارتینز و همکاران (۲۰۰۸)	- بررسی روند تغییرات شاخص‌ها و شرایط زندگی محله‌های فقیر و حاشیه‌نشین کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۳	- در ۱۸۸ شهر از ۸ منطقه جهان، شاخص‌های عمومی محله‌ها از جمله سازه‌های بادوام، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و دسترسی به بهداشت در طول این دوره با توجه به اهداف هزاره توسعه سازمان ملل بهبود یافته، ولی از نظر فقر شهری با چالش جدی مواجه هستند.
- خلیفه (۲۰۱۰)	- زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی در مناطق پرخطر و ناامن مصر	- رشد زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی در شهرهای مصر به‌خصوص محله‌های حاشیه‌ای جدید در مناطق پرخطر و ناامن، شیب‌دار، زمین‌های کشاورزی و دولتی اطراف و حاشیه شهرهای مصر
- گارستکا (۲۰۱۰)	- برنامه‌ریزی شهری پس از جنگ، ساماندهی محله‌های غیررسمی و حاشیه‌ای کوزوو	- تهیه طرح جامع و واقع‌بینانه این شهر و اجرای طرح با همکاری متقابل شهرداری و ساکنان این محله‌ها که به ساماندهی و ارتقاء محله‌های غیررسمی منجر شده است.
محمد (۲۰۱۲)	اسکان غیررسمی شهر داکا، بنگلادش: مروری بر رویکردها و چالش‌های پیش‌رو	روش‌هایی مانند اخراج، اسکان مجدد و ارتقاء که برای مقابله از سال ۱۹۷۵ به تصویب رسید، مؤثر نیست؛ چراکه ابعاد این مشکل بسیار بزرگ است.
کواله‌پورو و ابیکو (۲۰۱۵)	ارزیابی اسکان مجدد زاغه‌ها: مطالعه موردی: سرادومار. پروژه ساتوپانولو برزیل.	عوامل مثبت: توسعه مسکن و خدمات مرتبط، امکانات و فرصت‌ها موجب افزایش کیفیت زندگی شده است. مدیریت مالکیت مشترک، تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها و هزینه‌های بالاتر از عوامل تضعیف از مزایای این پروژه است.

(منبع: نویسندگان: ۱۳۹۳)

در ایران نیز تحقیقات زیادی در مورد حاشیه‌نشینی انجام گرفته است. برخی از تحقیقات داخلی در زمینه

حاشیه‌نشینی به‌صورت جدول (۲) است.

جدول ۲. تحقیقات داخلی در زمینه اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی

نام محقق و سال تحقیق	عنوان تحقیق	نتایج تحقیق
- خاتم و اطهاری (۱۳۸۶)	- نقد و بررسی حاشیه‌نشینی در ایران	- تبیین اصول نظری اسکان غیررسمی، کاستی‌ها و تنگناهای نهادی نظام برنامه‌ریزی فضایی ایران و تحولات رویکرد اسکان غیررسمی در کشورهای توسعه‌یافته و رویکرد برنامه‌های مسکن در ایران به کم‌درآمدها و اسکان غیررسمی.
- معدنی و محمدپناه (۱۳۸۷)	- بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تشکیل حاشیه‌نشینی شهر سمنان.	- عوامل مؤثر بر شکل‌گیری محله‌های فرودست یا فقیر سمنان و شاخص‌های مهم اجتماعی، اقتصادی.
- زیاری و نوذری (۱۳۸۸)	- ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی کوی منبع آب شهر اهواز	- علت شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، نتیجه صنعتی شدن شتابان شهر اهواز و مهاجرت‌های بی‌رویه و مشکلات اقتصادی و فقدان مدیریت واحد و

هماهنگ در زمینه مدیریت شهری است. شاخص‌های اجتماعی در اولویت اول و شاخص‌های زیست‌محیطی در آخرین مرحله ساماندهی و توانمندسازی است.		
- مهاجرت‌های روستا- شهری، ضعف توان مالی ساکنان ناحیه به همراه ناتوانی مسئولان در ساماندهی این وضعیت، باعث پیدایش شکل‌گیری حاشیه مورد بررسی و بروز ناهنجاری‌های متعدد شده است.	- بررسی تحلیلی حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند مطالعه موردی منطقه کارگران	- صابری فر (۱۳۸۸)
- عوامل حاشیه‌نشینی در شهر تبریز: بیکاری، درآمد کم، پایین بودن اجاره‌بهای مسکن و مهاجرت گسترده از محیط‌های شهری کوچک و روستاهای استان که ناشی از عوامل اقتصادی و دافعه‌های اجتماعی - فرهنگی در محل سکونت قبلی بوده است و این امر موجب بروز انواع ناهنجاری‌های شهری شده است.	- بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن، (مطالعه موردی: محله‌های احمدآباد، کوی بهشتی، خلیل‌آباد)	- زنگی‌آبادی و مبارکی (۱۳۹۱)
با روش SWOT به ارائه رهیافت توانمندسازی در ساماندهی این منطقه پرداخته و نتایج آن نشان می‌دهد که توانمندسازی با تأکید بر قابلیت‌ها و توانایی‌های ساکنان، ضمن حفظ کرامت انسانی حاشیه‌نشینان بهترین راهبرد اثرگذار است.	امکان‌سنجی، به‌کارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ناحیه گلشهر مشهد	پیری و همکاران (۱۳۹۱)
چالش‌های مختلف را بررسی کرده که نتایج نشان می‌دهد، عامل اجتماعی، اصلی‌ترین چالش منطقه و عوامل اقتصادی، بهداشتی، آموزشی و رفاهی در اولویت‌های بعدی قرار دارند.	اولویت‌بندی چالش‌های اسکان غیررسمی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی AHP (مطالعه موردی: محله جعفرآباد کرمانشاه)	قادرمرزی و همکاران (۱۳۹۲)
با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی به ارزیابی حوضه‌های مختلف توانمندسازی پرداخته است و نتایج آن نشان می‌دهد، در درجه اول توانمندسازی نهادی و سپس اجتماعی و اقتصادی در افزایش مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی کالبدی محله مؤثرند.	ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی: محله مهدی‌آباد (کتس پس).	زالی و همکاران (۱۳۹۴)

(منبع: نویسندگان: ۱۳۹۳)

روش پژوهش

۱۴ محله حاشیه‌ای زابل بین سرپرستان خانوار توزیع شد. با مراجعه به مراکز بهداشت این محله‌ها، جمعیت خانوارهای محله‌های حاشیه‌ای با توجه به محدوده آنها دقیق محاسبه شد. جمعیت خانوارها ۱۰۵۰۰ خانوار و به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. حجم نمونه برای جامعه سرپرستان خانوارها از طریق فرمول کوکران به‌صورت زیر به‌دست آمده است:

نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و روش آن توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات از شهرداری، فرمانداری و مراکز بهداشت شهر زابل بوده است. پرسشنامه‌هایی با تعداد ۲۵ سؤال برای به‌دست آوردن ۵ شاخص اصلی و ۲۵ شاخص فرعی ویژگی‌های محله‌های حاشیه‌نشین در

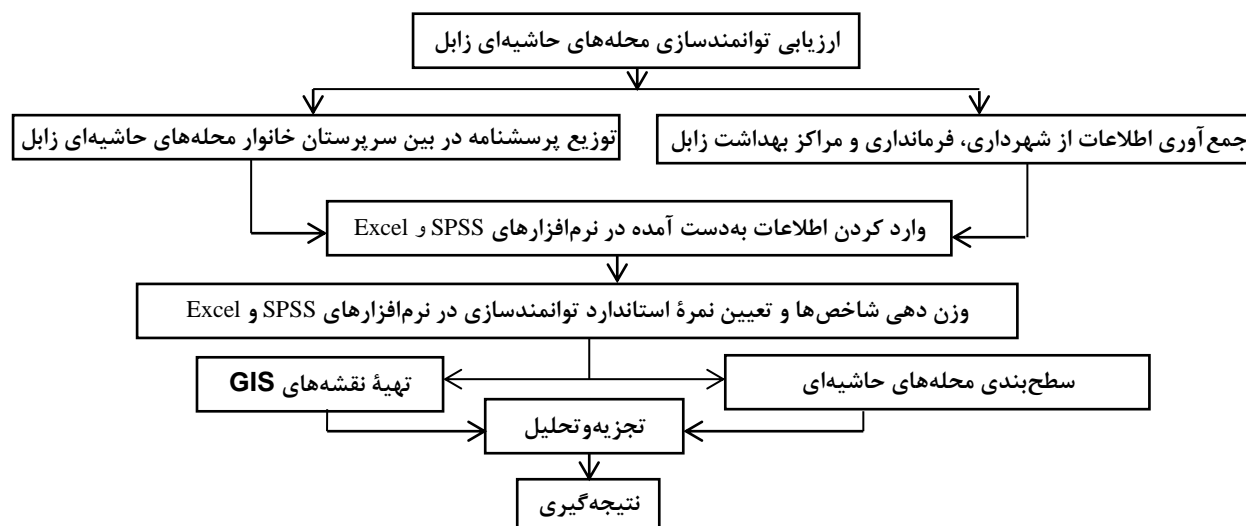
$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{(N) \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}} \rightarrow n = \frac{\frac{(1.96)^2 \times 0.70 \times 0.30}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{10500 \left(\frac{(1.96)^2 \times 0.70 \times 0.30}{(0.05)^2} - 1 \right)}} = 316$$

فاقد آن صفت در جامعه هستند. «d»، تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه است که حداکثر نسبت آن ۰/۰۵ درصد است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۴۱).

در این فرمول، t اندازه متغیر در توزیع طبیعی (توزیع نرمال مربوط به منحنی گaus) که با توجه به سطح احتمال ۹۵ درصد مقدار آن ۱/۹۶ است. «P» درصد توزیع صفت در جامعه؛ «q» درصد افرادی است که

اطلاعات به‌دست آمده هر یک از شاخص‌ها وارد نرم‌های SPSS و Excel شده و به هر یک از شاخص‌ها وزن‌هایی با توجه به اهمیت آنها در توانمندسازی داده شده و نتایج استخراج و تجزیه و تحلیل شده است. اطلاعات حاصل نیز وارد نرم‌افزار GIS شده و سطوح مختلف توانمندسازی محله‌ها به صورت نقشه، استخراج و تهیه شده است.

با توجه به جمعیت خانوار هر محله و حجم نمونه به‌دست آمده، تعداد نمونه هر محله جداگانه محاسبه شد. تعداد خانوارها را بر حجم نمونه تقسیم کرده و عدد به‌دست آمده را به‌عنوان فاصله گرفته (۳۴ خانوار یک پرسشنامه) و اولین پلاک را به‌صورت تصادفی انتخاب کرده و پرسشنامه‌ها توزیع شد (توضیح تعداد ۳ پرسشنامه به‌علت رند کردن تعداد پرسشنامه هر محله شد و در مجموع ۳۱۶ پرسشنامه در این محله‌ها توزیع شد).



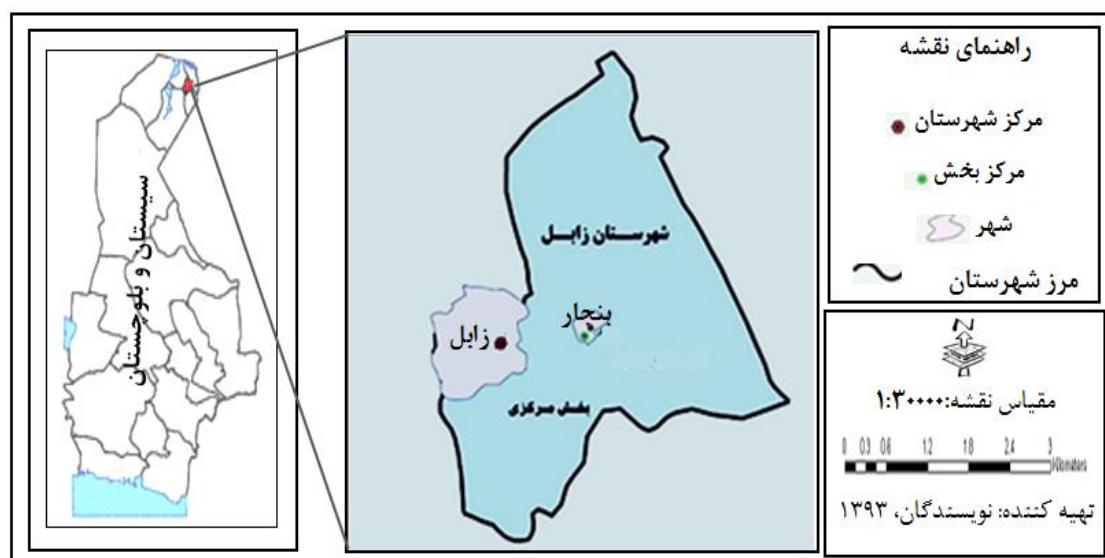
شکل ۱. مدل تحلیلی تحقیق

(منبع: نویسندگان: ۱۳۹۳)

می‌گیرد. زابل در فاصله زمینی ۲۱۰ کیلومتر از زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان قرار دارد (مهندسان مشاور طاش، ۱۳۸۵). طبق آخرین سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰ جمعیت آن ۱۳۷۷۲۲ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

موقعیت جغرافیایی شهر زابل

محدوده جغرافیایی و مکانی پژوهش، شهر زابل مرکز شهرستان زابل با مختصات جغرافیایی ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی است (شکل ۲). وسعت شهر زابل برابر با ۲۰۸۴ هکتار که ۰/۱۳ درصد از وسعت شهرستان را دربر



شکل ۲. موقعیت شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان و شهرستان زابل
(منبع: استانداری سیستان و بلوچستان، واحد تهیه نقشه و GIS، ۱۳۹۱)

محله‌های حاشیه زابل

محله‌های اسلامی، القورآباد و علی افشار، ورقه، شهید سراوانی، اسلام‌آباد، حسین‌آباد، شاهرودی و طباطبایی، شهید حسینی، قاسم‌آباد، حاجی‌آباد، معصوم‌آباد، باقرآباد (اطراف مسجد قدس و پشت نیروگاه برق زابل)، شهید پیری (پشت کشتارگاه سابق و کارخانه آسفالت) و قسمت شرقی سام شرقی از مهم‌ترین محله‌ها و مناطق حاشیه‌ای در محدوده شهری زابل می‌باشند (شکل ۳).

همچنین، روستاهای سرحدی شمالی، محمدآباد بنجار، حسن‌آباد، فتح‌اله و خراشادی از روستاهای متصل شده به شهر زابل و حاشیه‌ای هستند که از نظر تقسیمات سیاسی جزء مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان زابل هستند، ولی عملاً به شهر زابل چسبیده و مرز مشخصی با محله‌های دیگر شهر ندارند.

محله‌های حاشیه‌ای شهر زابل با توجه به قدمت آن‌ها، نحوه شکل‌گیری‌شان متفاوت است. به‌طور کلی، می‌توان

دلایل شکل‌گیری این محله‌ها را به‌صورت زیر تقسیم کرد:

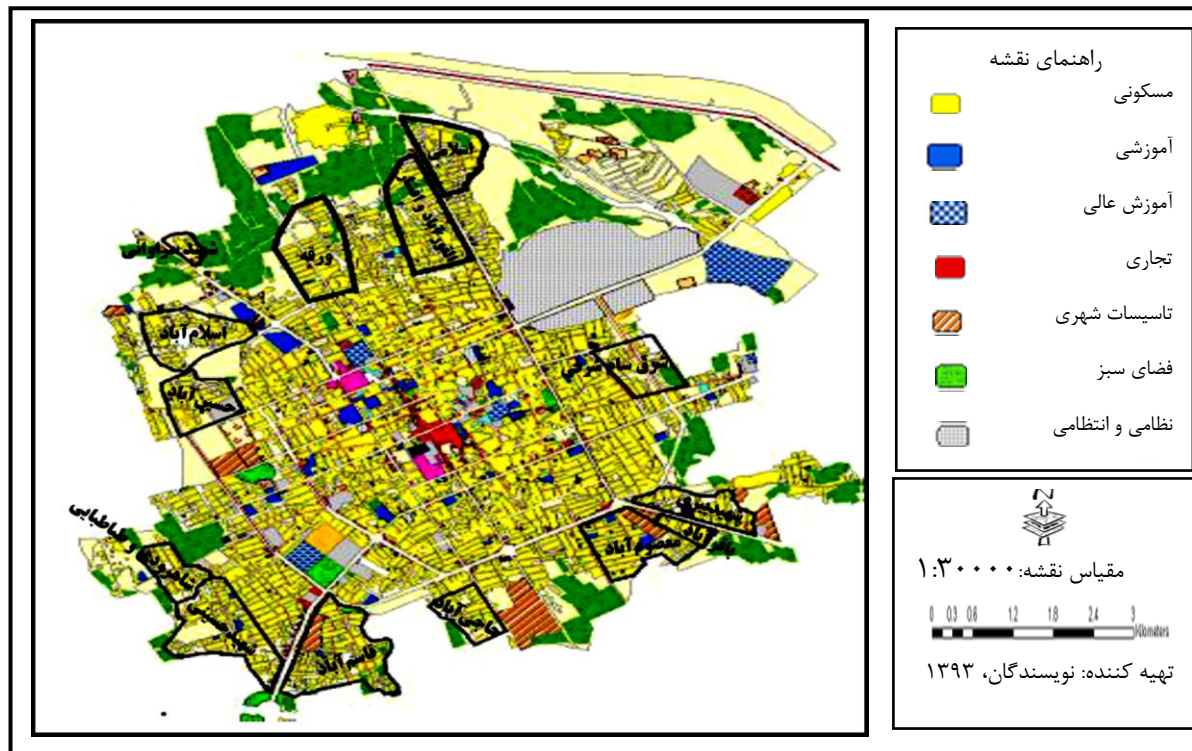
۱- محله‌های ناشی از رشد شهر زابل مانند قاسم‌آباد، معصوم‌آباد، ورقه، القورآباد، باقرآباد، شهید پیری و حاجی‌آباد.

۲- محله‌های ناشی از اثرات مرزی و قاچاق سوخت مانند اسلامی، قسمتی از محله قاسم‌آباد در اطراف فلکه رستم، انتهای محله القورآباد روبه‌روی محله اسلامی و شهید حسینی در اطراف گاراژها.

۳- محله‌های ناشی از اتصال روستاها به شهر مانند شهید سراوانی و علی افشار.

۴- محله‌های ناشی از خشکسالی‌ها و مهاجرت روستاییان و عشایر منطقه سیستان به شهر زابل مانند اسلام‌آباد، حسین‌آباد، شاهرودی و طباطبایی، شهید حسینی.

۵- محله‌های ناشی از کارهای عمرانی و زیربنایی به‌خصوص دانشگاه‌های ملی و آزاد مانند شرق سام شرقی.



شکل ۳. موقعیت محله‌های حاشیه‌ای شهر زابل
(منبع: طرح جامع شهر زابل، مهندسان مشاور طاش و نویسندگان: ۱۳۹۳)

حاشیه‌ای است. مدت اقامت بیشتر حاشیه‌نشینان (۷۳/۷۳ درصد) در این محله‌ها در ۱۵ سال اخیر بوده است. علت مهاجرت حاشیه‌نشینان، کمی درآمد (۲۱/۵۲ درصد)، خشکسالی (۱۹/۳ درصد)، نداشتن شغل مناسب (۱۳/۶۱ درصد) و بیکاری در روستاها و مناطق عشایری منطقه سیستان (۱۳/۶۱ درصد) است. نزدیکی به خویشاوندان (۳۷/۹۷ درصد)، ارزانی زمین و مسکن (۳۴/۱۸ درصد)، قیمت پایین اجاره‌خانه (۱۳/۹۲ درصد) و نزدیکی به محل کار (۱۱/۰۸ درصد) از مهمترین دلایل انتخاب این مناطق حاشیه‌ای برای سکونت توسط حاشیه‌نشینان است. بیشتر حاشیه‌نشینان از طریق اقوام (۶۸/۰۴ درصد)، آشنایان (۲۲/۱۵ درصد) و همکاران (۲/۵۳ درصد) با این محله‌ها آشنا شده‌اند.

ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی سرپرستان خانوار مناطق حاشیه‌ای زابل

براساس اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه‌های سرپرستان خانوارها، ۹۳/۶۷ درصد سرپرستان خانوارها محله‌های حاشیه‌ای زابل متولد سیستان، ۱/۹۰ درصد شهرهای دیگر استان و ۴/۴۳ درصد متولد سایر استان‌ها می‌باشند. ۷۶/۵۸ درصد سرپرستان خانوار مناطق حاشیه‌ای باسواد و ۲۳/۴۲ درصد بی‌سواد هستند. از نظر اشتغال، ۷۳/۱ درصد حاشیه‌نشینان شاغل و ۲۶/۹۰ درصد بیکار هستند. درآمد ماهیانه ۸۸/۹۲ درصد خانوارهای مناطق حاشیه‌ای زابل، کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و ۸۴/۸۲ درصد آنها هزینه ماهیانه تا ۵۰۰ هزار را دارند. ۷۰/۸۹ درصد آنها از روستاهای سیستان و ۲۱/۲۰ درصد از شهر زابل و شهرهای سیستان (مجموع ۹۲/۰۹ درصد مهاجران منطقه سیستان) و بقیه از مناطق دیگر استان و استان‌های دیگر می‌باشند که این نشان‌دهنده مهاجرت داخلی روستایی منطقه به شهر زابل و تشکیل محله‌های

ساخت و حدود ۳۴/۱۸ درصد دارای مجوز ساخت هستند. ۵۲/۲۲ درصد نوساز و ۳۶/۵ درصد تعمیر و تخریبی می‌باشند. میزان دسترسی به آب و برق مسکن با انشعاب مجاز ۹۹/۳۷ درصد و هیچ‌گونه انشعاب غیرمجاز آب یا برق در محله‌های حاشیه‌ای زابل دیده نمی‌شود. واحدهای مسکونی در این محله‌ها، ۵۸/۵۴ درصد دارای چاه‌های جذب فاضلاب و ۳۳/۲۳ درصد وصل به شبکه اصلی فاضلاب شهری و ۸/۲۳ درصد بدون این دو هستند.

ارزیابی راهبرد توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهر زابل

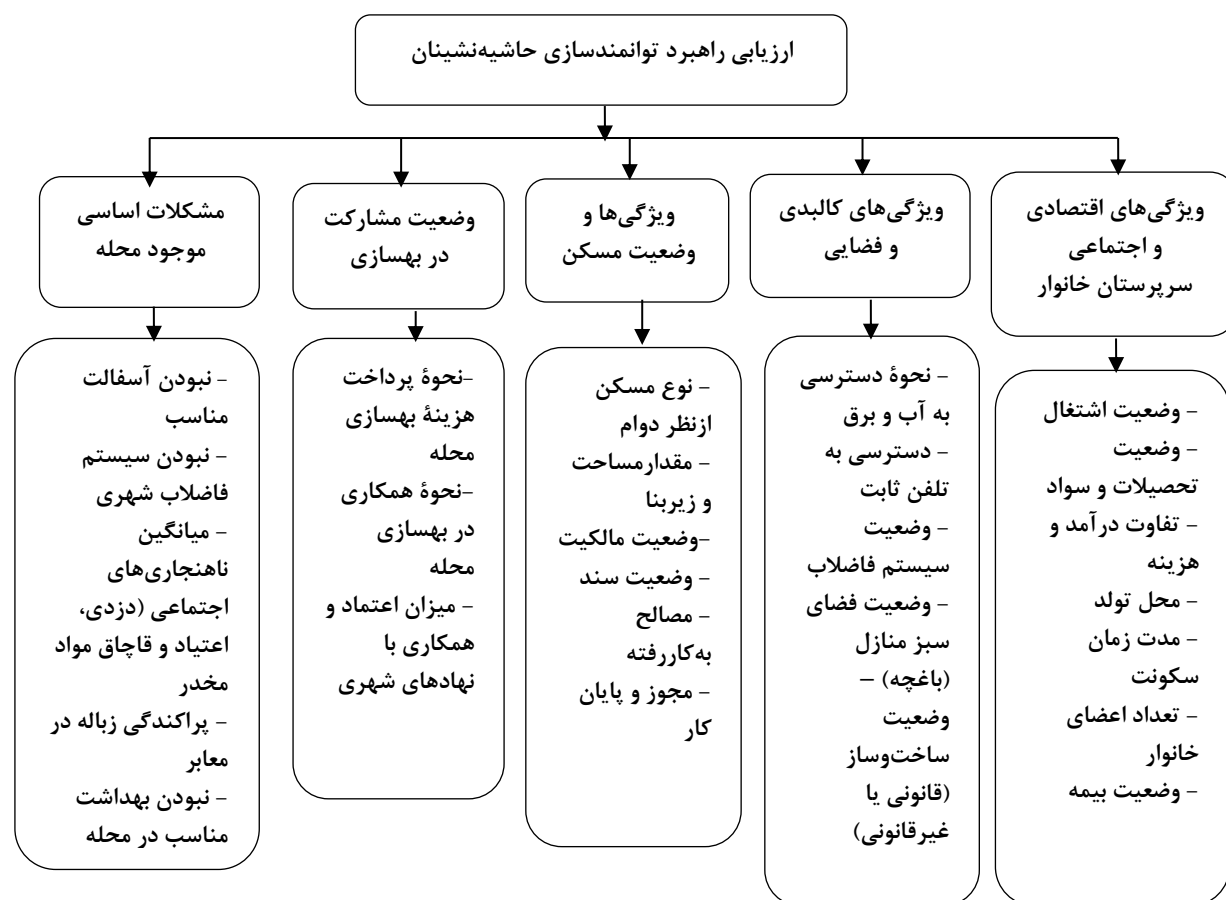
ارزیابی راهبرد توانمندسازی حاشیه‌نشینان براساس شاخص‌های اصلی و فرعی مطابق شکل (۴) انجام می‌گیرد.

مشارکت حاشیه‌نشینان برای بهسازی محله‌ها و نحوه تأمین هزینه‌های بهسازی آن

اکثر حاشیه‌نشینان (۸۵/۷۶ درصد) مایل به همکاری و کمک به بهسازی محله، ۱۴/۲۴ درصد هیچ کاری را برای بهسازی محله نمی‌توانند انجام دهند. ۷۳/۴۲ درصد، بیکاری و نداشتن درآمد کافی و نبود توانایی مالی برای پرداخت هزینه‌های بهسازی، مهمترین مشکلات بهسازی محله خود بیان کرده‌اند. میزان اعتماد و همکاری حاشیه‌نشینان برای بهسازی محله‌های خود با ادارات و نهادهای شهری، بسیار زیاد (۹۴/۳ درصد) است.

وضعیت مسکن محله‌های حاشیه‌ای زابل

مسکن محله‌های حاشیه‌ای، ۴۳/۳۵ درصد سند رسمی و ۵۶/۶۵ درصد سند محلی و قولنامه‌ای و هیچ‌گونه مسکنی بدون سند نیست. ۶۲/۸۲ درصد بدون مجوز



شکل ۴. شاخص‌های اصلی و فرعی ارزیابی توانمندسازی محله‌های حاشیه‌ای زابل

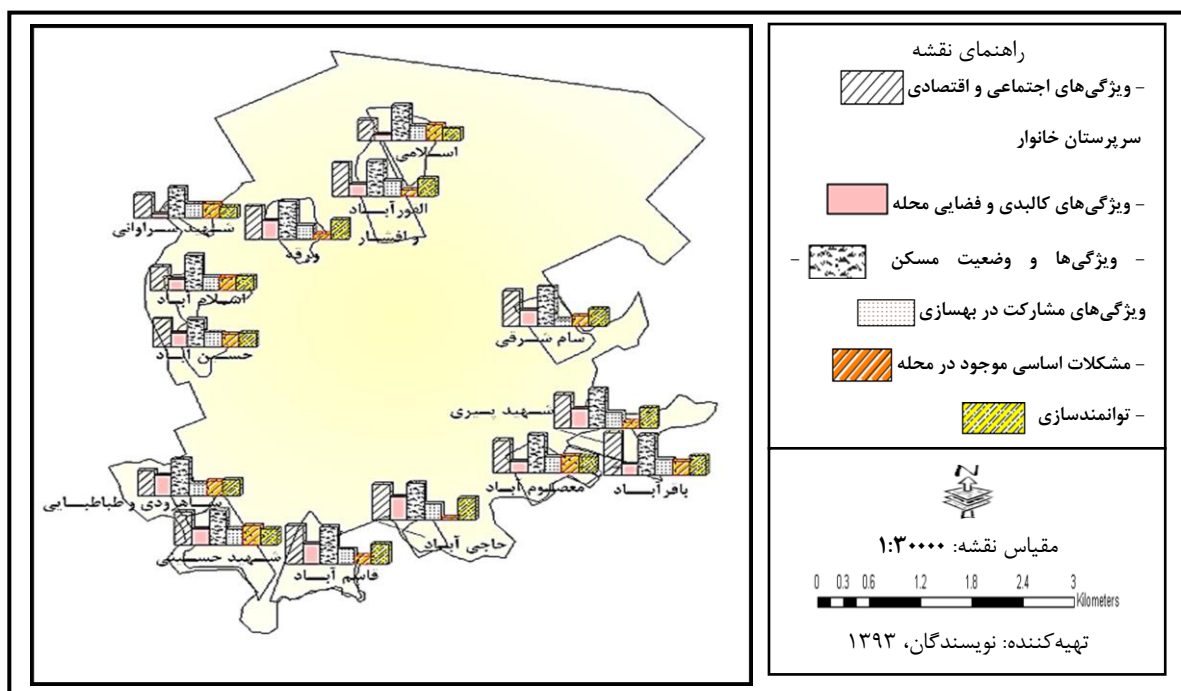
(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۳)

امتیاز شاخص‌های اصلی توانمندسازی محله‌های حاشیه‌ای به‌وسیله نرم‌افزار SPSS محاسبه و براساس رتبه‌بندی و سطح‌بندی شده‌اند (جدول ۳ و شکل ۴).

جدول ۳. امتیاز شاخص‌های اصلی توانمندسازی محله‌های حاشیه‌ای زابل بر مبنای روش Z - Score

ردیف	نام محله‌ها	Z ₁ ویژگی اقتصادی و اجتماعی سرپرستان	Z ₂ ویژگی کالبدی و فضایی محله‌ها	Z ₃ وضعیت مسکن	Z ₄ مشارکت حاشیه‌نشینان در بهسازی	Z ₅ مشکلات اساسی موجود در محله	مجموع امتیاز توانمندی محله‌ها	رتبه توانمندی
۱	اسلامی	-۱/۷۳۴	-۱/۶۶۶	-۰/۲۴۹	۰/۲۰۷	-۰/۸۸۷	-۴/۳۲۹	۱۳
۲	القرآباد و افشار	۰/۳۸۰	-۰/۴۳۱	-۰/۳۸۴	-۰/۵۱۶	۰/۹۳۴	۱/۰۱۵	۶
۳	ورقه	۰/۳۳۱	۰/۷۵۶	۰/۷۸۹	-۰/۱۱۶	۱/۱۷۵	۳/۱۶۷	۳
۴	شهید سراوانی	-۱/۲۱۰	-۱/۹۱۷	-۱/۴۶۲	۰/۱۵۸	-۰/۷۵۸	-۵/۱۸۹	۱۴
۵	اسلام‌آباد	-۱/۳۵۲	-۰/۶۶۰	-۰/۱۸۶	-۰/۷۶۰	-۰/۲۳۲	-۳/۱۹	۱۱
۶	حسین‌آباد	-۰/۴۵۴	-۰/۷۰۰	-۲/۵۰۵	۰/۲۵۱	-۰/۲۴۳	-۳/۶۵۲	۱۲
۷	شاهرودی و طباطبایی	-۱/۰۹۲	۱/۰۲۷	۰/۱۰۰	-۰/۹۹۰	-۰/۵۶۱	-۱/۵۱۶	۱۰
۸	شهید حسینی	۰/۳۰۱	۰/۳۰۰	-۰/۴۸۷	۰/۸۵۴	-۱/۶۶۳	-۰/۶۹۵	۹
۹	قاسم‌آباد	۱/۱۷۵	۰/۹۵۶	۰/۲۱۲	۰/۱۵۸	۰/۷۰۰	۳/۲۰۱	۲
۱۰	حاجی‌آباد	۰/۶۶۴	۱/۵۴۹	۰/۲۵۶	۰/۷۵۵	۱/۹۰۷	۵/۱۳۱	۱
۱۱	معصوم‌آباد	۰/۱۴۰	-۰/۶۶۹	۰/۷۴۵	۰/۶۰۵	-۱/۲۴۹	-۰/۴۲۸	۷
۱۲	باقرآباد	۱/۸۷۴	-۰/۷۱۴	۱/۲۲۱	-۰/۳۰۷	-۰/۴۴۷	۲/۲۴۱	۵
۱۳	شهید پیری	۰/۳۲۷	۰/۸۴۸	۰/۰۷۳	۰/۶۰۰	۱/۱۳۱	۲/۹۲۲	۴
۱۴	سام شرقی	۰/۷۰۵	۰/۲۷۶	۱/۳۳۳	-۳/۱۲۵	۰/۱۴۸	-۰/۶۶۳	۸

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۳)



شکل ۵. ویژگی‌های اصلی و توانمندسازی محله‌های حاشیه‌ای

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۳)

محلله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل را می‌توان براساس نمره استاندارد هریک از شاخص‌های اصلی آنها برای ارتقای توانمندسازی مشخص و سطح‌بندی کرد. نتایج این سطح‌بندی مطابق جدول (۴) است.

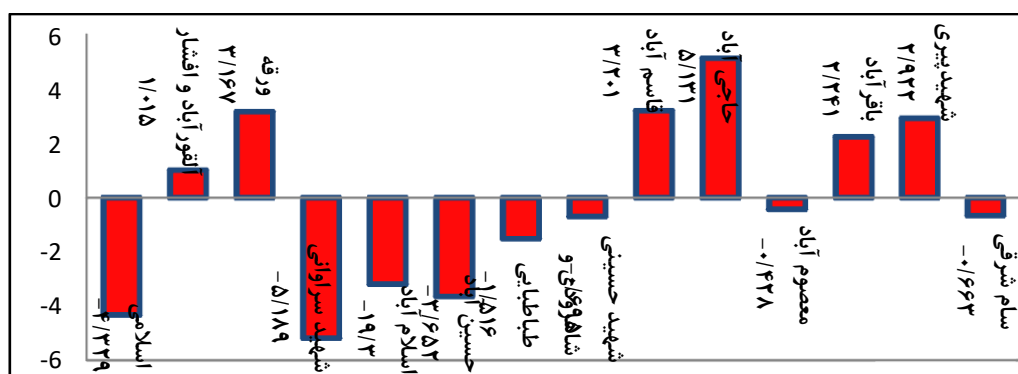
جدول ۴. سطح‌بندی محلله‌های حاشیه‌نشین زابل براساس شاخص‌های اصلی توانمندسازی

محلله‌های خیلی ضعیف (نمره استاندارد منفی)	محلله‌های ضعیف (نمره استاندارد ۰ تا ۰/۵)	محلله‌های متوسط (نمره استاندارد ۰/۵ تا ۱)	محلله‌ها نسبتاً خوب (نمره استاندارد بیشتر از ۱)	سطح توانمندی محلله‌ها شاخص توانمندسازی
اسلامی- شهید سراوانی- اسلام‌آباد- حسین‌آباد- شاهرودی و طباطبایی	القورآباد و افشار- ورقه- شهید حسینی- شهید پیری- معصوم‌آباد	حاجی‌آباد- سام شرقی	قاسم‌آباد- باقرآباد	ویژگی اجتماعی و اقتصادی سرپرستان خانوار حاشیه‌نشین
اسلامی- القورآباد و افشار- شهیدسراوانی- اسلام‌آباد- حسین‌آباد- معصوم‌آباد- باقرآباد	شهید حسینی - سام شرقی	ورقه- قاسم‌آباد- شهید پیری	شاهرودی و طباطبایی - حاجی‌آباد	ویژگی کالبدی و فضایی محلله‌ها
اسلامی- القورآباد و افشار- شهیدسراوانی- اسلام‌آباد- حسین‌آباد، شاهرودی و طباطبایی	شاهرودی و طباطبایی - حاجی‌آباد- قاسم‌آباد- شهید پیری	ورقه- معصوم‌آباد	باقرآباد- سام شرقی	وضعیت مسکن در محلله‌ها
اسلام‌آباد- شاهرودی و طباطبایی	اسلامی- ورقه شهیدسراوانی- حسین‌آباد- قاسم‌آباد- باقرآباد	القورآباد و افشار- شهید حسینی- شهید پیری- معصوم‌آباد- حاجی‌آباد	-	مشارکت حاشیه‌نشینان در بهسازی
اسلامی- شهیدسراوانی- اسلام آباد- حسین‌آباد- شاهرودی و طباطبایی- شهید حسینی- معصوم‌آباد- باقرآباد	-	القورآباد و افشار- قاسم‌آباد	ورقه- حاجی‌آباد	مشکلات اساسی موجود در محلله*

* شاخص مشکلات محلله‌ها به ترتیب: محلله‌های خیلی ضعیف: مشکلات خیلی زیاد؛ محلله‌های ضعیف: مشکلات زیاد؛ محلله‌های متوسط: کم؛ محلله‌های نسبتاً خوب: خیلی کم

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۳)

به‌طور کلی، توانمندسازی محلله‌های حاشیه‌نشین زابل براساس نمره استاندارد شاخص‌های مختلف توانمندسازی مطابق شکل (۵) می‌باشد.

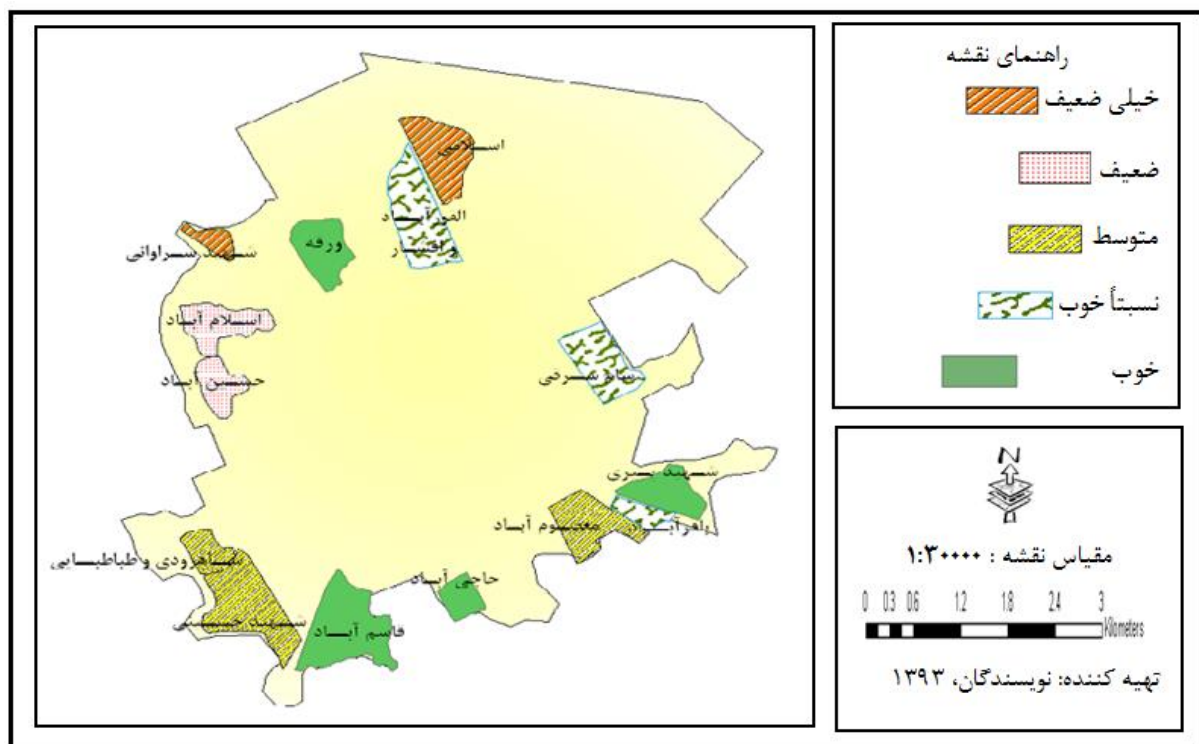


شکل ۵. وضعیت محلله‌های حاشیه‌ای زابل بر مبنای مجموع امتیازات ($\sum Z$)

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۳)

- اولویت دوم: سطح ضعیف (نمره استاندارد ۲/۶۱۰- تا ۰/۳۰-)؛ شاهرودی و طباطبایی، شهید حسینی، سام شرقی و معصوم‌آباد
- اولویت سوم: سطح متوسط (نمره استاندارد ۰/۳۰- تا ۲/۵۱۰)؛ القورآباد و افشار و باقرآباد
- اولویت چهارم: سطح نسبتاً خوب (نمره استاندارد ۲/۵۱۰ تا ۵/۱۳۱)؛ ورقه، شهید پیری، حاجی‌آباد و قاسم‌آباد

- بر این اساس، نمره استاندارد کل توانمندی محله‌های حاشیه‌ای در چهار اولویت و سطح زیر رتبه‌بندی شده‌اند (شکل ۶):
- اولویت اول: سطح خیلی ضعیف (نمره استاندارد ۵/۱۸۹- تا ۲/۶۱۰-)؛ شهید سراوانی، اسلامی، اسلام‌آباد و حسین‌آباد



شکل ۶. رتبه‌بندی محله‌های حاشیه‌ای زابل از نظر شاخص‌های توانمندسازی براساس نمره استاندارد

(منبع: نویسنده، ۱۳۹۳)

نرم‌افزار SPSS و براساس همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج این تجزیه و تحلیل در جدول شماره (۵) آورده شده است. مقدار معنادار (Sig) کمتر از ۰/۰۵ نشان می‌دهد که رابطه معنادار خطی بین متغیرها وجود دارد. رابطه معنادار مثبت یعنی یک متغیر با متغیر دیگر رابطه مستقیم و رابطه معنادار منفی یعنی متغیرها رابطه عکس دارند (صادق‌پور و مرادی، ۱۳۸۹: ۱۸۶).

بررسی وضعیت همبستگی شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی سرپرستان خانوارها با تأمین نحوه مشارکت در هزینه‌های بهسازی محله‌های حاشیه‌ای

همبستگی شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی سرپرستان خانوارها مانند سطح تحصیلات، شغل فعلی، میزان درآمد و هزینه ماهیانه خانوارها و مدت سکونت در محله در تأمین هزینه‌های بهسازی و میزان مشارکت سرپرستان خانوارها در بهسازی محله‌های حاشیه‌ای با

جدول ۵. همبستگی شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی حاشیه‌نشینان در بهسازی محله‌ها براساس همبستگی پیرسون

تأمین هزینه‌های بهسازی	کمک و مشارکت در بهسازی	مدت زمان سکونت	هزینه ماهیانه خانوار	درآمد ماهیانه خانوار	شغل	تحصیلات	ضریب همبستگی	تفسیر
۰/۱۰۲	۰/۲۵۵**	-۰/۲۴۴**	۰/۴۰۶**	۰/۵۴۳**	۰/۵۳۱**	۱	ضریب همبستگی	تحصیلات
۰/۰۶۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig. (2-tailed)	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	تعداد	
۰/۱۷۲**	۰/۲۱۶**	-۰/۰۴۹	۰/۵۰۷**	۰/۶۸۵**	۱	۰/۵۳۱**	ضریب همبستگی	شغل
۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig. (2-tailed)	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	تعداد	
۰/۲۰۷**	۰/۳۳۱**	۰/۰۳۷	۰/۶۷۶**	۱	۰/۶۸۵**	۰/۵۴۳**	ضریب همبستگی	درآمد ماهیانه خانوار
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig. (2-tailed)	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	تعداد	
۰/۱۶۷**	۰/۲۸۳**	۰/۰۷۸	۱	۰/۶۷۶**	۰/۵۰۷**	۰/۴۰۶**	ضریب همبستگی	هزینه ماهیانه خانوار
۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۱۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig. (2-tailed)	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	تعداد	
۰/۰۱۸	-۰/۰۲۲	۱	۰/۰۷۸	۰/۰۳۷	-۰/۰۴۹	-۰/۲۴۴**	همبستگی	مدت زمان سکونت
۰/۷۴۶	۰/۷۰۳	۰/۱۶۵	۰/۱۶۵	۰/۵۱۱	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	Sig. (2-tailed)	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	تعداد	
۰/۱۸۸**	۱	-۰/۰۲۲	۰/۲۸۳**	۰/۳۳۱**	۰/۲۱۶**	۰/۲۵۵**	ضریب همبستگی	کمک و مشارکت در بهسازی
۰/۰۰۱	۰/۷۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig. (2-tailed)	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	تعداد	
۱	۰/۱۸۸**	۰/۰۱۸	۰/۱۶۷**	۰/۲۰۷**	۰/۱۷۲**	۰/۱۰۲	ضریب همبستگی	تأمین هزینه‌های بهسازی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۷۴۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۶۹	Sig. (2-tailed)	
۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	۳۱۶	تعداد	

** وجود اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۰۱ درصد

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۳)

بیشتر و شغل بهتری در محله‌های حاشیه‌ای شده است.

- شغل با تحصیلات، درآمد ماهیانه و هزینه خانوار، کمک و مشارکت در بهسازی در سطح ۰/۰۰ و تأمین هزینه‌های بهسازی در سطح ۰/۰۰۲ رابطه خطی مثبت دارد و با مدت زمان سکونت هیچ رابطه‌ای ندارد. شغل بهتر با تحصیلات سرپرستان خانوارها و درآمد ماهیانه آنها همبستگی شدیدی دارد.

با توجه به همبستگی پیرسون، مطابق با جدول شماره ۵ می‌توان رابطه معنادار و تأثیر شاخص‌ها را به صورت زیر بیان کرد:

- تحصیلات با شغل، درآمد ماهیانه خانوار و هزینه خانوارها و مشارکت در بهسازی رابطه خطی معنادار مثبت در سطح ۰/۰۰ و با مدت زمان سکونت رابطه معنادار منفی در سطح ۰/۰۰ دارد، اما با تأمین هزینه بهسازی رابطه‌ای ندارد. تحصیلات بیشتر باعث درآمد

کمتر از یک بوده و در سطح خیلی ضعیف تا متوسط قرار دارد. پایین بودن نمره استاندارد این شاخص مهم حاشیه‌نشینان، تأثیراتی بر ویژگی‌های کالبدی و فضایی محله‌ها (۱۲ محله خیلی ضعیف تا متوسط) و همچنین مسکن حاشیه‌نشینان (۱۲ محله خیلی ضعیف تا متوسط) گذاشته است. در تمام محله‌های حاشیه‌نشین زابل، به دلیل پایین بودن شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی سرپرستان خانوارها، مشارکت در بهسازی محله‌شان در سطح خیلی ضعیف تا متوسط قرار دارد و هیچ محله‌ای که حاشیه‌نشینان در سطح نسبتاً خوب وجود داشته باشد، وجود ندارد. در مجموع بیشتر محله‌ها، ۱۰ محله از ۱۴ محله حاشیه‌نشین در سطح خیلی ضعیف تا متوسط از نظر توانمندسازی قرار دارند و فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد.

حاشیه‌نشینان زابل، (۹۶/۶۷ درصد) متولد منطقه سیستان که ۶۵/۸۲ درصد از روستاییان منطقه می‌باشند. تحصیلات دانشگاهی و مهارت‌های شغلی حاشیه‌نشینان خیلی کم (۱۱/۷۱ درصد) بوده که این امر باعث اشتغال آنها در مشاغل غیررسمی و ناپایدار شهری شده است. نرخ بیکاری سرپرستان خانوار در این مناطق حاشیه‌ای بالا می‌باشد و در بعضی از محله‌ها مانند حسین‌آباد و ورقه بحرانی است. درآمد ۸۸/۹۲ درصد از سرپرستان خانوار مناطق حاشیه‌ای زابل، کمتر از ۵۰۰ هزار تومان در ماه و ۸۴/۸۲ درصد خانوارها هزینه‌هایی تا ۵۰۰ هزار تومان در ماه دارند، می‌توان گفت که ۹۰ درصد خانوارهای حاشیه‌نشین توان پس‌انداز یک ریال در ماه را ندارند و تفاوت فاحشی بین هزینه و درآمد خانوارها وجود دارد. این وضعیت باعث می‌شود که حاشیه‌نشینان با نداشتن پس‌انداز، توان مالی در پرداخت نقدی هزینه بهسازی محله‌های خود را نداشته باشند.

مهمترین مشکلات بهسازی محله‌ها و تأمین هزینه‌های آن، بیکاری و نداشتن درآمد کافی و نداشتن توانایی مالی برای پرداخت هزینه‌های بهسازی با مجموع ۷۳/۴۲ درصد می‌باشد. میزان اعتماد و همکاری حاشیه‌نشینان با نهادهای شهری خیلی زیاد و در

- درآمد ماهیانه خانوار با شغل، تحصیلات، هزینه ماهیانه خانوار، کمک و مشارکت و تأمین هزینه‌های بهسازی رابطه خطی مثبت در سطح ۰/۰۰ و با مدت سکونت رابطه‌ای ندارد. درآمد ماهیانه بیشترین ضریب همبستگی را با شغل بهتر و هزینه بیشتر در خانوارها دارد. - کمک و مشارکت حاشیه‌نشینان در بهسازی با شغل، تحصیلات، درآمد ماهیانه خانوار و هزینه‌ها و تأمین هزینه‌های بهسازی رابطه خطی معنادار مثبت در سطح ۰/۰۰ دارد و با مدت زمان سکونت رابطه‌ای ندارد. بیشترین ضریب همبستگی آن بین درآمد ماهیانه خانوار با شغل است.

- تأمین هزینه‌های بهسازی محله‌ها با شغل در سطح ۰/۰۰۲ و با درآمد ماهیانه خانوار در سطح ۰/۰۰، هزینه ماهیانه خانوار در سطح ۰/۰۰۳ و کمک و مشارکت در بهسازی در سطح ۰/۰۰۱ رابطه خطی معناداری دارد. بیشترین همبستگی آن با درآمد ماهیانه خانوار و شغل است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بیشترین جمعیت محله‌های حاشیه‌نشین زابل را مهاجران روستایی سیستان با ویژگی‌هایی مانند بیکاری، درآمد کم و نداشتن سواد و مهارت کافی برای مشاغل شهری تشکیل می‌دهند. این عوامل، حاشیه‌نشینان را از نظر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی سرپرستان خانوار در توانمندسازی در سطح خیلی ضعیف تا متوسط قرار داده است که تأثیراتی بر وضعیت کالبدی و فضایی محله‌ها و مسکن حاشیه‌نشینان گذاشته است. سطح توانمندی ۱۲ محله از ۱۴ محله در سطح خیلی ضعیف تا متوسط می‌باشد. بیشترین ضریب همبستگی را شغل و درآمد ماهیانه سرپرستان خانوارها با هم دارند که بیشترین همبستگی را با تأمین هزینه‌های بهسازی و کمک و مشارکت در بهسازی محله‌ها دارند.

نتیجه‌گیری

سطح‌بندی هر یک از شاخص‌های توانمندسازی نشان می‌دهد که نمره استاندارد ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی سرپرستان خانوار در ۱۲ محله حاشیه‌نشین

پیشنهادها

- مهمترین پیشنهادها برای توانمندسازی حاشیه‌نشینان زابل، به صورت زیر ارائه می‌شود:
- تشکیل ستاد ساماندهی مناطق حاشیه‌ای در مدیریت شهری زابل با عضویت تمام اداره‌های مربوط به خصوص شهرداری؛
- اجرای دقیق طرح جامع و تفصیلی زابل در این مناطق؛
- وضع قوانین قوی برای جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی اطراف شهر زابل و به خصوص روستاهای متصل به آن؛
- آموزش مشاغل فنی و حرفه‌ای به خصوص در زمینه مشاغل بومی منطقه؛
- اعطای وام‌های بلندمدت در زمینه ایجاد اشتغال پایدار به خصوص واحدهای تولیدی بومی منطقه؛
- اجرای طرح ساماندهی و توانمندسازی در چند محله حاشیه‌ای به صورت پایلوت مانند حسین‌آباد و اسلامی؛
- تشکیل گروه‌های اجتماعی برای اجرای طرح‌های بهسازی و توانمندسازی در این محله‌ها از ساکنان محله‌های حاشیه‌ای.

منابع

- امچکی، حمیده (۱۳۸۱). ابزارهای حقوقی و قانونی مؤثر بر برون‌فکنی جمعیت و بروز حاشیه‌نشینی، مجله هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سال سوم، شماره نهم و دهم، صص ۶۴-۵۶.
- ایراندوست، کیوان (۱۳۸۹). مرور تجربه کوتاه توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه: شهر کرمانشاه)، جغرافیا و توسعه، پژوهشکده علوم و زمین و جغرافیا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۲۰، صص ۷۸-۵۹.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۸). سکونتگاه‌های غیررسمی و نیازهای آموزش شوراها و شهرداری‌ها. گزارش هم‌اندیشی. تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی، شماره ۵، صص ۵-۱.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینان حرم (نگاهی به مسئله اسکان غیررسمی در مشهد)، فصلنامه مدیریت شهری، سازمان شهرداری‌های کشور، شماره ۱۰، صص ۴۴-۵۱.

زمینه‌های مختلف می‌توانند در بهسازی محله‌ها کمک کنند؛ ولی به دلایل بیکاری و نداشتن درآمد کافی و توان مالی لازم برای پرداخت، هزینه بهسازی را به صورت نقدی ندارند.

بیشترین ضریب همبستگی بین شغل و درآمد ماهیانه سرپرستان خانوارها می‌باشد. درآمد ماهیانه خانوار نیز بیشترین همبستگی را با تأمین هزینه‌های بهسازی و کمک و مشارکت در بهسازی محله‌ها دارد. با توجه به همبستگی این متغیرها، می‌توان گفت شغل بهتر، باعث افزایش درآمد سرپرست خانوارها و به تبع آن افزایش در تأمین هزینه‌های بهسازی و مشارکت در بهسازی محله‌های حاشیه‌ای می‌شود.

با توجه به موارد بالا درمی‌یابیم که مهمترین مشکل در زمینه توانمندسازی حاشیه‌نشینان در بهسازی شهر زابل، نداشتن درآمد کافی، بیکاری زیاد و ناتوانی در پرداخت هزینه‌های بهسازی به صورت نقدی است که این از عوامل مهم اقتصادی می‌باشند؛ بنابراین، فرضیه دوم تحقیق که بیشترین مشکل توانمندسازی حاشیه‌نشینان را عوامل اقتصادی می‌دانست، تأیید می‌شود.

به طور کلی، واحدهای مسکونی مناطق حاشیه‌ای زابل از نظر مساحت، زیربنا، تعداد خانوار ساکن، تعداد اتاق خانوارها، مالکیت، مصالح ساختمانی، کیفیت بنا، دسترسی به آب و برق رسمی و تلفن، وضعیت مطلوبی نسبت به سایر مناطق حاشیه‌ای کشور دارند؛ به عنوان مثال: سکونتگاه‌های غیررسمی اهواز، ۱۸/۶ درصد بدون آب لوله‌کشی و ۵۴/۵ درصد دارای برق غیرمجاز (لطفی و ماجدی، ۱۳۸۸: ۳۲۱) و مناطق حاشیه‌ای شهرهای سبزوار، نیشابور و تربت‌جام دارای آب و برق مجاز به ترتیب ۹۵ درصد، ۹۸ درصد و ۹۰ درصد (رهنما و توانگر، ۱۳۸۷: ۱۰۲) می‌باشند؛ اما از نظر سند رسمی، مجوزهای ساخت و ساز و متناسب بودن با برنامه‌ریزی شهری، سیستم فاضلاب شهری و فضاهای سبز (باغچه)، در وضعیت پایین تری نسبت به سرانه‌های شهری قرار دارند.

خاتم، اعظم؛ اطهاری، کمال (۱۳۸۶). مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیررسمی (شرایط تحقق طرح مجموعه شهری تهران). تهران: انتشارات شهیدی. چاپ اول.

داداش پور، هاشم؛ حسین آبادی، سعید؛ پورطاهری، مهدی (۱۳۹۱). تحلیل نقش توانمندسازی ساکنان در بهسازی کالبدی - محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: محدوده شرق کال عیدگاه شهر سبزوار). نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه اصفهان، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۱، صص ۹۵-۱۲۷.

رهنما، رحیم و توانگر، معصومه. ۱۳۸۷. بررسی تطبیقی حاشیه‌نشینی در شهرهای سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه و گناباد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره یازدهم، صص ۱۱۵ - ۸۳.

زالی، نادر؛ رحمتی، یوسف؛ چاره، نجمه (۱۳۹۴). ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شیراز: مطالعه موردی محله مهدی‌آباد (کتس بس)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، شماره ۲۳، زمستان ۹۴، صص ۱۳۲-۱۱۵.

زاهدزاهدانی، سعید (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز. چاپ اول.

زنگی آبادی، علی؛ مبارکی، امید (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن (مطالعه موردی: محله‌های احمدآباد، کوی بهشتی و خلیل‌آباد). جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دانشگاه اصفهان، بهار ۱۳۹۱، شماره ۴۵، صص ۸۰-۶۷.

زیاری، کرامت‌اله؛ نوذری، آذر دخت (۱۳۸۸). ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۶۸، صص ۳۶-۲۱.

ساعی، احمد (۱۳۷۸). مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.

شریعت‌زاده، مریم (۱۳۸۲). ساختارهای مورد نیاز جهت مهار و سازماندهی حاشیه‌نشینی در ایران. مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۲۴۰-۲۵۵.

شیخی، محمد (۱۳۸۱). فرایند شکل‌گیری و دگرگونی سکونتگاه‌های خودرو پیرامون کلان‌شهر تهران (نمونه مطالعاتی: اسلام‌شهر، نسیم‌شهر و گلستان)، نشریه هفت‌شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سال سوم، شماره ۸، صص ۵۱-۳۶.

بزی، خدارحم (۱۳۸۶). تحلیلی بر روند شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهر زابل. مجله فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اهر، شماره ۱۸، صص ۳۰-۱.

پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۸۰). مشکلات شهری کشور. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دانشگاه اصفهان، شماره ۱، سال شانزدهم، صص ۲۲-۱۰.

پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران: انتشارات سمت. چاپ اول.

پورآقایی، عبدالله (۱۳۸۵). علل شکل‌گیری اسکان غیررسمی در شهر رشت و راهکارهای ساماندهی آن. مجله چشم‌انداز جغرافیایی، دانشگاه آزاد واحد رشت، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، صص ۶۶-۴۵.

پیران، پرویز (۱۳۶۶). شهرنشینی شتابان و ناهمگون مسکن ناپهنجار (قسمت دوم). اطلاعات سیاسی و اقتصادی، موسسه اطلاعات، شماره ۵، صص ۳۳-۳۰.

پیران، پرویز (۱۳۷۳). آلونک‌نشینی در ایران، دیدگاه‌های نظری با نگاهی به شرایط ایران. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، موسسه اطلاعات شماره ۸۸-۸۷، صص ۹۷-۱۳۰.

پیران، پرویز (۱۳۸۰). اجتماعات الونکی، پدیده‌ای فراتر از حاشیه‌نشینی. ماهنامه شهرداری‌ها، سازمان شهرداری‌های کشور، شماره ۳۲، صص ۲۳-۷.

پیری، عیسی؛ زالی، نادر؛ تقی‌لو، علی‌اکبر (۱۳۹۱). امکان‌سنجی، به‌کارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ناحیه گلشهر مشهد، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دانشگاه اصفهان، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۳۴-۱۱۹.

حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۸۲). اسکان غیررسمی در کلان‌شهر مشهد، نمونه اسکان غیررسمی ساختمان، مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۱۵-۲۵.

حاج یوسفی، علی (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب)، فصلنامه هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سال سوم، شماره ۸، صص ۲۴-۱۲.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت. چاپ شانزدهم.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۰). راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دانشگاه اصفهان، شماره ۶۱، صص ۵۲-۴۱.

هادی‌زاده‌بزاز، مریم (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان. مشهد: انتشارات شهرداری مشهد. چاپ اول.

یزدانی‌بروجنی، فردین (۱۳۸۲). بررسی خصوصیات ساختاری حاشیه‌نشینی در تهران. مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۳۵۱-۳۶۴.

Abbott, J. (2002b). Analysis of informal Settlement Upgrading and Critique of Existing Methodological Approaches, *Habitat International*, Vol 26, pp:303-452.

Abbott, J. (2002a). A method-based planning framework for informal settlement Upgrading, *Habitat International*, VOL. 26, PP: 317-333.

Akhtar, A; Toran, K.(2000). Migration, Slums and Urban Squalor. at WWW.YORKU.CA /Bunchmi /ICEH.

Arimah, Ben .(2010). The Face of Urban Poverty; Explaining the Prevalence of Slums in Developing Countries, *UNU-WIDER*.PP:1-22.

Bego, E.(2003). Assessing Feasibility Study of informal Settlement Upgrading: Are there GI policy and Management Implications? Case Study of Windhoek Namibia, *International Institute for Geo – information Science and Earth Observation Enschede, the Netherland*.PP:1-24.

Cavalheiro, D; Abiko, A .(2015). Evaluating slum (favela) resettlements: The case of the Serra do Mar

Emer, D . (2008). What Are Enabling Housing Strategies? A Paper from Seminar in Barcelona in April 2008, presented in Seminar: Are A Architects and Planners Obstacles to Slum Upgrading?.

Garstka, G. (2010). Post-conflict urban planning: The regularization process of an informal neighborhood in Kosova, *Habitat International*, VOL. 34, PP: 86-95.

Khalifa, M. (2010). Redefining slums in Egypt: Unplanned versus unsafe areas, *Habitat International*, VOL. 30 , PP: 1-10.

Lee Smith, D .(1989). Squatter landlords in Nairobi: a case study of Korogocho, in P. Amis & P.Lloyd (Eds), *Housing Africa's urban poor*, Manchester University Press.

Martinez, J. Mboup, G. Sliuzasa, R and Stein, A. (2008). Trends in urban and slum indicators across developing world cities: 1990 – 2003, *Habitat International*, VOL. 32, PP: 86-108.

Mohammad, A .(2012). *Bastee Settlements of Dhaka City, Bangladesh: A Review of Policy Approaches*

صابری‌فر، رستم (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند (مطالعه موردی: منطقه کارگران). تحقیقات جغرافیایی، دانشگاه اصفهان، بهار ۱۳۸۸، شماره ۹۲، صص ۲۹-۵۲.

صادق‌پور، بهرام؛ مرادی، وهاب (۱۳۸۹). تحلیل آماری با نرم‌افزارهای SPSS و AMOS. بابل‌سر: انتشارات دانشگاه مازندران. چاپ اول.

صرافی، مظفر (۱۳۸۱). به سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی. هفت‌شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۵-۱.

صرافی، مظفر (۱۳۸۲). بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران: در جستجوی راهکارهای توانمندسازی. مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد ۱، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، صص ۲۶۱-۲۷۲.

قادرمرزی، حامد؛ جمشیدی، علیرضا؛ جمشیدی، معصومه؛ جمینی، داود (۱۳۹۲). اولویت‌بندی چالش‌های اسکان غیررسمی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی AHP (مطالعه موردی: محله جعفرآباد کرمانشاه). فصلنامه مطالعات شهری، دانشگاه کردستان، شماره ۶، بهار ۱۳۹۲، صص ۴۳-۵۸.

کماطو، مایومی (۱۳۸۱). ارتقای شهری و مشارکت اجتماعی. نشریه هفت شهر، وزارت مسکن و شهرسازی، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۱۴-۱۲۵.

لطفی، کوروش و ماجدی، حمید. ۱۳۸۸. چالش‌ها و تنگناهای موجود در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی شهری و ارائه راهکار مناسب جهت اجرایی نمودن طرح‌های توانمندسازی، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دوره یازدهم، شماره چهار، صص ۶۲۴-۶۱۷.

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰.

معدنی، سعید؛ محمدپناه، امیرحسین (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تشکیل حاشیه‌نشینی شهر سندج (مطالعه موردی: محدوده عباس‌آباد). جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۴، صص ۱۷۰-۱۵۱.

مهندسان مشاور طاش (۱۳۸۵). طرح جامع شهر زابل، سازمان مسکن و شهرسازی استان سیستان و بلوچستان.

نظریان، اصغر (۱۳۷۹). جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.

Pugh, C.(2001). The Theory and Practice of Housing Sector Development for Developing Countries, Housing Studies,VOL 16,PP: 399-423.

Reichenheim, M , Harpham, T. (1991).Meternal mental health in squatter in settlement in Rio de janeiro, British jornal of psychiatry, Vol 159, pp: 1-28.

Vilar, K; Cartes, I .(2015). Urban design and social capital in slum, case study: Moravia's neighborhood, Medellin, 2004- 2014, Urban planning and Architecture Design for Sustainable Development, 14-16 October 2015, PP 56-67.

and Challenges Ahead, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Savoy Homann Bidakara Bandung Hotel, Bandung, Indonesia, 15-17 June 2011,PP: 611 – 622

Mukhija, V. (2001). Enabling Slum Redevelopment in Mumbai: Policy Paradox in Practice, Housing Studies,VOL 18,PP:213-222.

Nijman, J. (2008). Against the odds: Slum rehabilitation in neoliberal Mumbai, Cities, VOL. 25, March 2008 , PP: 73- 85.

Project, S~ao Paulo, Brazil,Habitat International, VOL , PP: 340-348.

